

جهانی شدن، فرصت‌ها و تهدیدهای فرهنگی

• دکتر جواد منصورى*

چکیده

جهانی شدن ابعاد متعددی دارد که از جمله آنها فرصت‌ها و تهدیدهای فرهنگی آن است که برای همه ملتها به ویژه مسلمانان بحث‌انگیز و تا حدودی نگران‌کننده می‌باشد.

جهانی شدن یک روند (پروسه) عادی و جهانی سازی یک طرح (پروژه) و جهانی بودن یک واقعیت است و غالباً بدون توجه به صورت مترادف و برداشتهای ناصحیح مطرح می‌شود.

روند جهانی سازی و یا غربی‌کردن، در راستای منافع سلطه و سرمایه داری و بی‌توجه به منافع و مصالح و ارزشهای فرهنگی و دینی در حال احیاست و امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری را برای پیشبرد آن به کار می‌گیرند.

طبعاً روند تحولات به گونه‌ای است که مشکلات و بحرانهای متعددی را شکل می‌دهد که در عین حال می‌تواند برای جهان اسلام و به ویژه جمهوری اسلامی فرصتهایی را نیز تدارک کند. مهمترین تهدیدات و دغدغه‌های ناشی از جهانی سازی عبارتند از:

- ۱- فساد فرهنگی و اخلاقی.
- ۲- توسعه و سلطه بیشتر نظام سرمایه داری و تشدید بحران‌ها و بی‌ثباتی بین‌المللی.
- ۳- تشدید فاصله طبقاتی و گسترش فقر و تبعات آن.
- ۴- سلطه دولتهای ضد مردمی در جهان سوم.

۵- جهانی شدن اندیشه‌های معارض با اسلام.

و همچنین موارد زیر فرصتهایی است که می‌توان با درایت و هوشمندی به آنها دست یافت.

۱- امکان برقراری ارتباط با افراد آگاه و علاقمند به فهم و شناخت اسلام در سراسر جهان.

۲- پاسخگویی به شبهات و نقد آراء و نظرات در سطح جهانی و دفاع از اسلام.

۳- تحت تأثیر قرارداددن جریانهای معارض و حمایت از جنبشهای اسلامی و ضد سلطه.

۴- زمینه‌سازی برای مطرح کردن بحثهای مربوط به حکومت جهانی حضرت مهدی (عج).

۵- استفاده گسترده از امکانات علمی و ارتباطی و جبران بخشی از عقب ماندگیها.

امید است که با تداوم این جریان، گامهای بلندی در جهت تحقق صدور انقلاب اسلامی برداشته و موج‌گرایی به اسلام و مقابله با کفر و شرک و طاغوت گسترش و شدت بیشتری داشته و زمینه ساز حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

استعمار سرمایه داری پس از سه قرن سلطه مستقیم و غیر مستقیم بر بخش بزرگی از جهان، پذیرفت که ادامه شیوه موجود، با مشکلات و چالش‌های زیادی روبرو می‌باشد. ژریرا با گسترش آگاهی و حضور قشرهای متعدد مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی، امکان سلطه آشکار به سادگی وجود ندارد، به علاوه هزینه اداره سرزمین‌های تحت سلطه نیز، روز به روز روبه افزایش می‌باشد. از اینرو سلطه فکری و مشابه سازی فرهنگی و یکپارچه کردن بازار کالا، با عنوان «جهانی شدن، استراتژی دراز مدت نظام سرمایه داری» برای تداوم سلطه انتخاب گردید.

گفتمان «جهانی شدن» و به دنیا آن، جهانی کردن یا جهانی سازی - که ارتباط مستقیمی با آینده بشریت دارد - جدی‌ترین و مهمترین رویکرد جوامع فرهنگی، سیاسی

و اجتماعی مختلف، و از جمله چالش‌های جریان‌های فکری و ایدئولوژیک، در دو دهه اخیر بوده است. لذا قبل از طرح موضوع، توضیح مختصری پیرامون سه مقوله فوق ارائه و در ادامه آن، فرصت‌ها و تهدیدهای اعتقادی و فرهنگی جهانی شدن، بررسی می‌شود.

انسان به لحاظ فطری موجودی جهانی است و هر یک از محدودیت‌ها و مرزبندی‌های نژادی، زبانی، قومی و جغرافیایی در واقع قراردادی و ساخته انسان ضعیف و خصلت‌های منفی و جهالت‌های او می‌باشد. قرآن کریم در این زمینه می‌گوید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ».

ای مردم! ما شما را از مرد و زن خلق کردیم و شما را در شکل اقوام و قبایل برای شناخت یکدیگر ساماندهی کردیم (که ملاک ارزش و برتری نیست، زیرا قطعاً ملاک برتری از نظر خداوند، تقوای شماست. مسلماً خداوند به امور کلی و جزئی عالم می‌باشد).^۱

توحید واقعی، انسان را چند بعدی و زمین و آسمان را برای او و در اختیار او قرار داده است. اسلام نیز به دلیل فطری بودن و هماهنگی با جهان آفرینش طبعاً چند بعدی و جهانی می‌باشد، از اینرو بیش از تمامی ادیان - حتی ادیان آسمانی دیگر - جهانی فکر می‌کند و جهانی عمل می‌کند. در حالی که غالب ادیان، منطقه‌ای و یا مقطعی بوده‌اند و عملاً قابلیت جهانی شدن و همیشگی بودن را ندارند.

آیات متعددی تبیین‌کننده این واقعیت می‌باشند که از جمله آنها عبارتند از:

۱- «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ».

ای پیامبر! ما تو را به عنوان رسول نفرستادیم، مگر اینکه برای تمامی مردم جهان رحمت باشی.

۲- «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا».^۲ ای پیامبر! ما تو را به عنوان

رسول نفرستادیم، مگر اینکه برای تمام مردم مأموریت بشارت و انذار و تنبیه داری.

۳- «وَكَذٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِّتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ

شَهِيدًا».^۳ و به این ترتیب شما (مسلمانان) را امت وسط (به دور از افراط و تفریط) قرار

دادیم، تا شاهد و الگوی تمامی مردم باشید و پیامبر اسوه و شاهد بر شما باشد.

از جمع بندی چنین آیاتی نتیجه‌گیری می‌شود که جهانی شدن روندی است که بشر به اقتضای طبع و فطرت خود به سوی آن میل می‌کند. رویکرد به توسعه ارتباطات و مواصلات، رسانه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، بخشی از آثار جهانی شدن است که به دلیل جهانی بودن انسان به تدریج شکل گرفته است. جهان شمولی اسلام (انترناسیونالیسم) در واقع تحقق شرایط و شکل‌گیری مطلوب جامعه انسانی، در ارتباط با انسان‌های دیگر و نیز تجلی خصلت‌های فطری برای برداشتن موانع تکامل و حرکت به سمت کمال و ارتقای وضعیت زندگی - نه صرفاً توسعه کمی و مادی می‌باشد، زیرا همه انسانها به لحاظ فطری و عقل سلیم خواهان عدالت، صلح و ارتقای وضعیت و موقعیت خود در جامعه می‌باشند. آنچه باعث تداوم جنگ‌ها، بی‌عدالتی‌ها، تخریب‌ها، ظلم‌ها، و اگرایی‌ها می‌شود، وجود خصلت‌های منفی، هوی و هوس‌ها، زیاده‌طلبی‌ها و وجود جهالت و تعصبات کورکورانه و مهار نشده و نبود یا ضعف تقوای الهی است. از این رو اسلام با تأکید بر جهانی بودن، الهی بودن و تقوی - به عنوان متمیزه انسان با سایر حیوانات - زمینه‌های همزیستی، همیاری (تعاون)، وحدت (اعتصام به حبل‌الله) را فراهم می‌کند.

آنچه که در ادبیات سیاسی به نام جهانی شدن گفته می‌شود، در واقع جهانی کردن^۲، جهانی سازی^۵ و یا غربی‌کردن^۶ جهان و در واقع پروژه نظام سرمایه داری می‌باشد. جهانی شدن پروسه و روندی است که از ابتدای زندگی اجتماعی انسان آغاز و همچنان ادامه دارد. در چند قرن اخیر، با پیشرفت‌های مادی و صنعتی و گسترش اهداف توسعه طلبانه و تشدید زیاده‌طلبی، شدت و سرعت گرفت. بنابراین دولت‌های بزرگ سرمایه داری بر موج جهانی شدن طبیعی و تدریجی مسلط شدند و ضمن تسریع در جهت بهره‌گیری حداکثر برای سلطه جویی و استثمار بیشتر، آن را از مسیر عادی خود خارج کردند.

رویکرد مخالفین جهانی سازی در ارتباط با جنبه‌های مادی و منافع جریان‌های خاصی می‌باشد و ربطی به ابعاد انسانی و ارزشی ندارد. آنان نگران سلطه جهانی سرمایه و تکنولوژی برتر و از دست دادن موقعیت و جایگاه نسبی خود می‌باشند. اگر چه در ظاهر شعارهایی در حمایت از محیط زیست، سوءاستفاده از قدرت، تضعیف بیش از پیش اقتصاد کشورهای عقب مانده و در واقع عقب نگه‌داشته شده مطرح

می‌کنند. لذا امکان همکاری با جریان مخالف جهانی سازی ضعیف و محدود است. زیرا مواضع آنان معطوف به حفاظت از منافع خودشان می‌باشد. اگر چه آمادگی دارند که دیگران را به صورت نیروی همفکر و همراه در صحنه بین‌المللی به نمایش بگذارند، ولی در عمل اعتنایی به منافع و اهداف جریان‌های خارج از مجموعه خودشان ندارند. به ویژه آنکه جریان ضد جهانی سازی، ضد سلطه و دینی باشد!

کشورهای جهان سوم - به استثنای بعضی از آنها - نیز عملاً به دلایل متعدد و از جمله وابستگی‌های سیاسی قادر به مقاومت در مقابل جریان جهانی سازی نیستند و مخالفت‌های آنها برای اقتناع افکار عمومی مردمشان و سرپوش گذاشتن بز ماهیت واقعی آنها می‌باشد جریان ضعیفی از مخالفین جهانی سازی نگران تشدید فاصله غنی و فقیر، از بین رفتن منابع و منافع کشورهای ضعیف و به اصطلاح توسعه نیافته و از بین رفتن هویت فرهنگی و ملی است.

مؤلفه‌های جهانی سازی وجود سازمان‌های بین‌المللی، که غالباً تحت سلطه قدرت‌های استکباری قرار دارند، رسانه‌های متعدد و متنوع بین‌المللی با امکانات و تجهیزات مدرن، دولت‌های ضعیفی که در جهت تحقق اهداف جریان مزبور بستر سازی می‌کنند، گروه‌ها و تشکل‌های ضد ملی و وابسته، در واقع زمینه ساز حضور، سلطه فکری، فرهنگی، اقتصادی و خلاصه جهانی سازی سلطه نظام استکباری می‌باشند.

آینده جهانی سازی

انسان به دنبال فطرت الهی خود به شکل ناخودآگاه حرکت می‌کند و بسیاری از ایده‌ها و رویکردها برای تحقق آرمان‌ها و کمال مطلوب او می‌باشد. تشکیل سازمان‌های بین‌المللی طرح و پی‌گیری جهانی شدن، برقراری نظام بین‌الملل، دادگاه‌ها و پلیس بین‌الملل، بخشی از این حرکت می‌باشد.

بشریت دیر یا زود مجبور است که نوعی حاکمیت جهانی و حتی بدخالت‌های آن در امور داخلی کشورها را بپذیرد. زیرا در عمل امکان حرکت و ایفای نقش در صحنه جهانی بدون قوانین و مقررات و سازمان‌های بین‌المللی بسیار دشوار و در مواردی غیر ممکن می‌شود. از این رو در چند دهه گذشته، دهها سازمان بین‌المللی شکل گرفت و دولت‌ها بدون توجه به گرایشها و شرایط خاص خود، عضویت در آنها را به خاطر منافع

و مصالح ملی پذیرفته‌اند.

روند رو به گسترش گرایش به جهانی شدن، انقلاب اطلاعات و افزایش ارتباطات و مبادلات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، به تدریج زمینه پذیرش حکومت جهانی اسلام را از لحاظ ذهنی و عینی شکل می‌دهد، به گونه‌ای که سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند در آینده، مبلغ و مدافع حکومت جهانی و در دراز مدت خواستار ارزش‌های مشترک ادیان و فطرت الهی انسان باشند.

همچنانکه در پنجاه سال گذشته تحول عمیقی در عملکرد سازمان‌های بین‌المللی، حتی در امور فرهنگی و دینی به وجود آورد، در حالی که این سازمان‌ها، دوران ابتدایی و تجربه اندوزی خود را می‌گذرانند.

برگزاری دو کنفرانس بزرگ بین‌المللی توسط سازمان ملل - در نیویورک و بانکوک - با شرکت نمایندگان ادیان مختلف و تبادل نظر پیرامون مشترکات آنها و چگونگی ایفای نقش در راستای رسالت خود و کمک به بهبود وضع فکری، فرهنگی و اخلاقی جوامع انسانی - که دچار معضلات و بن بست‌های پیچیده‌ای شده است - رویکرد جدیدی است که در ادامه آن، نزدیکی و هماهنگی بیشتر ادیان را به دنبال خواهد داشت، که نمودی از گرایش به جهانی بودن فطری و حرکت به سمت جهانی شدن طبیعی می‌باشد. انقلاب اسلامی، تأثیر شگرفی در فعال کردن و نقش دادن به ادیان؛ خصوصاً ادیان توحیدی داشت. از این رو جمهوری اسلامی با درک شرایط و موقعیت باید در جهت تحرک و انسجام و گسترش ارتباطات و همکاری‌های بین‌الادیان، ساز و کار مناسبی تدارک و با تبیین ابعاد جهانی اسلام و با بهره‌گیری از فطری بودن آن، نقش بیشتری در جهت مقابله با جریان جهانی کردن یا غربی‌سازی و تهدیدات آن ایفا نماید.

تهدیدات جهانی سازی

روند جهانی سازی برای جامعه بشریت و اسلام، همراه با تهدیدات متعددی است که مهمترین آنها عبارتند از:

۱. فساد فرهنگی و اخلاقی که عملاً امنیت فردی و عمومی را روز به روز تضعیف می‌نماید. جهانی سازی توأم با یکسان سازی یا همانند سازی فرهنگ‌ها، قداست زدایی یا به تعبیر عرفی‌تر افسون زدایی از فرهنگ‌ها، سطحی سازی فرهنگ‌های دیگر به

منظور رمز گشایی، تهی سازی و در هم شکستن مقاومت ارزشی و عقیدتی ملت‌های دیگر است. جهانی شدن رد این مفهوم به عنوان پروژه تهاجم فرهنگی از سوی تمدنی به تمدن‌های دیگر قلمداد می‌شود... یعنی جهانی شدن معادل غربی‌سازی و غربی‌شدن جهان. غرب در تمامیت و کلیت ذهنی و عینی و با تمام وجوه خوب و بد آن، با ویژگی‌هایی (شعارهایی) چون: انسان - خدایی، اصالت فرد، سکولاریسم، لائیسزم، برابری، آزادی، حقوق بشر، جامعه مدنی، سرمایه داری، سود پرستی، تجارت آزاد، تکثرگرایی (پلورالیسم)، خصوصی بودن ایمان، تسامح و تساهل،... در حقیقت جهانی سازی را به معنای فراگیر شدن همه این ویژگی‌ها می‌داند و می‌خواهد.

به همین دلیل است که امروزه جهانی شدن در افکار عمومی جامعه بین‌المللی، بیشتر به معنای جهانی سازی اقتصاد، سیاست و فرهنگ غربی است.^۷

گسترش و تجهیز رسانه‌ها اعم از ماهواره‌ها، شبکه‌های تلویزیونی و اینترنتی، پیوند فرهنگ و فناوری، گسترش و نفوذ قلمرو فرهنگ در تمامی امور زندگی اجتماعی و سیاسی، به گونه‌ای است که در هر حال انسان‌ها در معرض پیام و ایده‌ای از طرف آن قرار دارند. انسان آینده تا حدود زیادی ساخته «پروژه جهانی سازی نظام استکباری» می‌باشد.

در چنین شرایطی است که فطرت انسانی به معارضة و تعارض می‌پردازد و مبارزه برای «انسان» ماندن شروع می‌شود.^۸

فطری بودن اسلام زمینه مناسبی برای انسان‌هایی است که می‌خواهند در چارچوب اصول و ارزش‌های آن، زندگی خود را شکل دهند. به همین دلیل در هر جامعه که اسلام به شکل مطلوبی ارائه شده، مورد استقبال مخاطبین قرار گرفته است. بیش از ۹۰ درصد تازه مسلمانان جهان، اسلام خود را به دنبال برخوردهای سنجیده، آگاهانه، انسانی و علمی به دست آورده‌اند.

۲. توسعه طلبی، سلطه جویی و زیاده خواهی، امنیت بین‌المللی را در معرض تهدید قرار داده است.

پروژه جهانی سازی آنچنان جذابیت و مقبولیتی برای دولتهای استکباری دارد که خود را برای تسلط کامل بر جهان در قرن بیست و یکم آماده می‌سازند. در اوایل سال ۱۹۹۲، «کالین پاول» (وزیر امور خارجه آمریکا) اصل تازه‌ای را به

کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان کنگره آمریکا ارائه داد؛ مبنی بر اینکه «ارتش آمریکا نیاز به چنان قدرتی دارد، که بتواند هر کشور دیگری را که حتی رؤیای به چالش گرفتن ایالات متحده را در صحنه گیتی در سر بپروراند، از این فکر باز دارد.»

«پاول» آشکارا اعلام داشت که ما باید «گردن کلفت محله باشیم» و به دشمنان بالقوه (خودمان) بفهمانیم که کوشش در به چالش گرفتن نیروهای مسلح آمریکا هیچ آینده و شانسی ندارد.

در حالی که «دیک چنی» (معاون رئیس جمهور) و پاول، دست اندرکار قبولاندن نظرات خود به کنگره بودند، «پل ولفوویتز» (معاون وزیر دفاع) مشغول تکمیل و گسترش طرح خود و ادغام آن در سیاست‌های دولت آمریکا بود. در اوایل سال ۱۹۹۲ او ناظر بر تهیه بیانیه درونی سیاست‌های داخلی پنتاگون و رهنمود به رؤسای بخش‌های مختلف در مورد تخصیص نیروها، تهیه بودجه و استراتژی‌های عملیاتی آنان بود.

این سند طبقه بندی شده معروف به «برنامه ریزی سیاست دفاعی» که محصول کار «پل ولفوویتز» و کارکنان زیردست او در پنتاگون بود، جهانی را ترسیم می‌کرد که آمریکا بر آن تسلط کامل دارد و نظام خود را به عنوان تنها ابرقدرت جهان، با پشتوانه قدرت نظامی «توان کاه» حفظ می‌کند. تصویر پادگانی تا دندان مسلح بر بالای تپه و مسلط بر شهر...

این سند که با احتمال زیاد آگاهانه به روزنامه نیویورک تایمز داده شد و بخش‌های مهمی از آن در شماره ۸ مارس ۱۹۹۲، این روزنامه به چاپ رسید، به قول نیویورک تایمز چنین برنامه نظامی به طور ضمنی بیانگر آن است که، آمریکا چنان ترتیبات امنیتی در جهان برقرار خواهد کرد که از قدرت‌گیری نظامی ژاپن و آلمان به ویژه اتمی شدن آنها جلوگیری کند.^۹

۳. فاصله طبقاتی و گسترش فقر، تراکم جمعیت، نابودی محیط زیست و مسابقه تسلیحاتی، از جمله عوامل عدم امنیت ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ناشی از جریان جهانی سازی در شرایط فعلی می‌باشند.

امروز ارزش‌گذاری‌های تاریخی و سنتی، از مبانی قدرت و اقتدار ملی به تنهایی - یعنی گستردگی سرزمین و منابع طبیعی، ارتش و سلاح‌های پیشرفته - از اطمینان و اعتبار نسبتاً کمتری برخوردارند. در حال حاضر، تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی

در کنار رسانه‌های گروهی جهانی، نقش بسیار مهمی را در شکل دادن به دیدگاه‌ها و تفکرات عمومی دولت و حاکمیت ملی ایفا می‌کند و عدم توجه به قدرت چنین تکنولوژی‌هایی، می‌تواند سبب تضعیف حاکمیت دولت - ملت در برابر نیروها و عوامل خارج گردد.

۴. دولت‌های ضد مردمی و فاسد و اغلب وابسته نیز، زمینه ساز ناامنی‌های مزمن و انفجارهای اجتماعی - سیاسی و جنگ‌های منطقه‌ای می‌باشند.

۵. جهانی شدن اندیشه‌های معارض با اسلام؛

یکی از نتایج جهانی سازی، جهانی شدن اندیشه‌های رقیب دین و حاکمیت اسلام است. زیرا اسلام با ویژگی توسعه گرا و جهانی، طبعاً در صدد افزایش پیروان خود و محدود کردن نفوذ و حیطة قدرت دیگران، و نسبت به وقایع محیطی خود حساس می‌باشد.

به نظر می‌آید که جهانی شدن، امکانات بسیار وسیعی را در اختیار رقبای دین اسلام قرار می‌دهد، این رقبا به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند.

۱. رقبای دینی؛ به ویژه مسیحیت و یهودیت که بزرگترین رقیب و تهدید اسلام است؛
۲. فرقه‌های منحرف به ویژه فرقه بهائیت که یک فرقه قدرتمند و متحد صهیونیستی و رقیب تشیع به یک معنا و اسلام به طور کلی است.
۳. سکولاریسم که از آن به عنوان جریان نیرومند دین گریزی و حتی دین ستیزی می‌توان یاد کرد.

این سه رقیب امکانات بسیار وسیعی پیدا کرده‌اند و عمده چالش ما در آینده در جریان جهانی شدن با اینهاست... پیشاپیش رقبای ما مسیحیت قرار دارد که از تکنولوژی ارتباطی و اطلاعاتی استفاده می‌کنند.^{۱۰}

بنابراین گسترش موج گرایش به اسلام و شکست لیبرالیسم و افشای ماهیت نظام سرمایه‌داری، به ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و آثار و پیامدهای آن در جهان اسلام، از جمله چالشها و تهدیدات جدی جهان اسلام و غرب به ویژه امریکا می‌باشد. اعلام شروع جنگ صلیبی و به کار گرفتن تمامی امکانات برای تسلط بر خاورمیانه و پیاده کردن فرهنگ و ارزش‌های امریکایی و به اصطلاح «دموکراتیزه کردن خاورمیانه»! دقیقاً و عمیقاً تهدیدی مستقیم و جدی بر ضد اسلام، مسلمانان و

فرصت‌های جهانی سازی

جهانی سازی در دو دههٔ اخیر با رویکرد تسلط هر چه بیشتر بر جهان و مشابه سازی فرهنگ‌ها و یکپارچه سازی بازار کالاهای سرمایه داری و سوار شدن بر موج و روند عادی جهانی شدن، با استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته و سلطهٔ سیاسی و اقتصادی، آثار و پی آمدهای گوناگونی داشته است.

در چنین شرایطی و با وجود امکانات گستردهٔ هژمونی سلطه و ثروت و تکنولوژی، فرصت‌ها و زمینه‌های مناسبی در اختیار اسلام و مسلمانان قرار گرفته که در صورت بهره‌گیری می‌تواند نقش مؤثری در آیندهٔ بشریت و جوامع اسلامی داشته باشد. مهمترین فرصت‌ها برای آینده بشریت عبارتست از:

۱. فطری بودن اسلام و قابلیت‌های جهانی شدن زمینهٔ مناسبی برای انسان‌هایی است که می‌خواهند حقیقت را دریابند و در چارچوب آن زندگی خود را شکل دهند. فناوری اطلاعاتی و ارتباطی، فرصت ارزنده‌ای برای مسلمانان فراهم کرده است. پایگاه‌های فعال اینترنتی، شبکه‌های ماهواره‌ای، موجب گسترش موج اسلام‌گرایی به ویژه در امریکا و اروپا گردید، به گونه‌ای که در موقعیت برتری نسبت به دیگر ادیان قرار گرفته است.

۲. به کارگیری و تسلط بر رسانه‌ها و شیوه‌های پیام رسانی و ارتباطات، پاسخگویی به شبهات و ابهامات و ارائهٔ الگوی مناسبی از انسان و جامعهٔ ایده آل و همچنین نقد علمی و عالمانه و دقیق مکاتب، ادیان و فلسفه‌های موجود، تعیین ماهیت سیاست‌ها و عملکرد نظام استکباری و به خصوص تبیین اهداف جهانی سازی قطعاً جاذبه زیادی برای جلب نظرات و عقاید دارد.

در عصر جهانی شدن ارتباطات، دسترسی به تکنولوژی اطلاعاتی، اصلی‌ترین ابزار برخورداری از قدرت نرم و آرام یا قدرت نفوذ فرهنگی و معنوی در مقابل قدرت مادی و ثروت می‌باشد.

۳. ایمان به خداوند، اعتماد به نفس و آگاهی و رهبری مدبرانه، می‌تواند بسیاری از جریان‌ها از جمله جهانی سازی را به نفع مسلمانان کند. آنچه در انقلاب اسلامی ملت

ایران، مقاومت و ادامه مبارزه و حفظ نظام جمهوری اسلامی، مقاومت پنجاه ساله ملت مسلمان فلسطین در مقابله با سلطه جهانی در قالب دولت غاصب اسرائیل، شکست دولتهای مهاجم و در رأس آنها امریکا در تهاجم به افغانستان و عراق واقع شد، نمونه و نشانه‌هایی از امکان مقاومت و حتی پیروزی بر روند جهانی سازی است.

۴. طرح گفتمان مربوط به فلسفه سیاسی اسلام و موضوع امامت و رهبری جهانی، تبیین فلسفه و دیدگاه پیرامون حکومت جهانی و غیبت و انتظار، و بسیاری موضوعات مهم و اساسی در شرایط فعلی و با بهره‌گیری از فناوری موجود، جذابیت و مقبولیت بیشتری نسبت به گذشته دارد، این فرصت برای اسلام و مخاطبین آن می‌تواند زمینه ساز تحولات زیادی در آینده بشریت باشد.

به این ترتیب مسئولیت و رسالت دستگاه‌های تبلیغاتی، فرهنگی و رسانه‌ای جمهوری اسلامی بسیار سنگین و در صورت ایجاد یک حرکت علمی و با برنامه قطعاً می‌توان منشأ تحولات مهمی در دراز مدت بود.

شکست‌های اخیر امریکا در خاورمیانه، نه تنها پیامدهای سیاسی و اقتصادی دارد، بلکه مهمتر و مؤثرتر از آن پیامدهای فکری و فرهنگی خواهد داشت که هم اکنون می‌بایست برای بهره‌گیری از آن تلاش کرد.

۵. با گسترش دسترسی به اطلاعات و آگاهی از تحولات، می‌توانیم بسیاری از عقب ماندگیهای علمی، فنی و ارتباطی خود را به سرعت جبران نمائیم، بدون اینکه استقلال و منافع خود را در معرض تهدید وابستگی‌ها قرار دهیم.

انقلاب اطلاعاتی - ارتباطی که مهمترین ابزار جهانی شدن و جهانی سازی است، قدرت فردی انسان را بیش از گذشته افزایش داده است و سلسله مراتب قدیمی قدرت و حکومت را تا حدودی تضعیف نموده است.

آنچه درباره ویژگیهای حکومت جهانی حضرت مهدی بیان می‌شود، در واقع بازسازی و باز تعریفی از انسان فطری، جامعه توحیدی و حکومت الهی می‌باشد که تاکنون به دلیل ضعف، جهل و نقص انسانها امکان تحقق نداشته است. اما سرانجام پس از شکست مکاتب و فلسفه‌های اجتماعی و سیاسی، آمادگی پذیرش چنین حکومتی را پیدا می‌کنند. بنابراین از جمله مهمترین اقداماتی که بعد از ظهور حضرت مهدی (عج) می‌شود رشد عقل، تفکر و بینش انسانهاست، زیرا با محدودیت عقلانیت و فقدان تفکر و

ضعف بینش، امکان تحقق جامعه متعالی و زندگی مشترک و توأم با صلح و عدالت، محال و غیر ممکن است. زیرا گرایشها، تمایلات و اقدامات غلط و غیر واقع بینانه و مبتنی بر جهالت و خودمحوری، مانع اصلی همگرایی، همراهی، همکاری و همدردی است، که در واقع شرط اولیه و اساسی تحقق حکومت جهانی می‌باشد.

مهمترین محورهای دعوت جهانی و مؤثر در آینده بشریت توسط مؤمنین و متعقدین به این مکتب در سطح جهانی و از جمله دستگاهها و رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران، با توجه به واقعیت‌های موجود عبارتند از:

۱. دعوت به وحدانیت و توحید و حاکمیت ارزش‌های الهی؛

۲. دعوت به عدالت و اجتناب از ظلم و تبعیض؛

۳. دعوت به برابری انسانها و آزادی و آزادگی (نفی سلطه و سلطه پذیری)؛

۴. دعوت به اخلاق و ارزش‌های الهی و نفی ارزشهای غیر خدایی.

پذیرش اخلاق و ارزش‌های الهی و گرایش به کمال و ارتقا و تعالی در شرایطی فراهم می‌شود که بشریت از حکومت‌های مادی و خود ساخته و هوی و هوسها به ستوه آمده و خواستار یک تحول عمومی در وضعیت جهانی باشد. شرایطی که در واقع زمینه ساز ظهور حضرت مهدی (عج) و برقراری حکومت جهانی مبتنی بر عدل خواهد شد. همچنانکه در روایات متعددی این معنا که همگان به نوعی در انتظار منجی، قائم، حاکم، پیامبر و عادل می‌باشند وجود دارد. و هر کس و هر فرقه و مذهبی گمشده خود را در وجود «امام عصر» و (صاحب الزمان) جستجو کرده و از او پیروی و تبعیت می‌کند.

بنابراین راهبرد اصلاح و تکامل جامعه بشریت از منظر اسلام و انقلاب اسلامی و هدف نهایی از صدور انقلاب براساس بینش و دیدگاه امام خمینی (ره)، تحقق حکومت جهانی، ایمان به خداوند، اجرای فرامین و فرائض با هدف تقرب به خداوند، حذف تفکرات شرکت آلود نژادی، قومی، زبانی و ملی؛ به معنای تعصب و تأکید براصالت ملت و ملیت، خدمت به مردم، احترام و رعایت حقوق مردم و دعوت آنان به پرستش خداوند، دین واحد، کتاب واحد و سرانجام اجرای عدالت، محور خواسته‌ها می‌باشد. چنین شرایط و اوضاع و احوالی فقط در یک حکومت الهی، به رهبری امامی معصوم و مهدی از طرف خداوند و قائم بالقسط محقق می‌شود. و بالاخره سرنوشت محتوم بشریت و تحقق فلسفه وجودی انسان در حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) با ویژگیهای بیان شده آن

براساس این دیدگاه و اعتقاد است که در دعای افتتاح در بخش خواسته‌های آرمانی و الهی آینده بشریت می‌خوانیم و می‌خواهیم که: «الهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعْزِبُنَا لِلْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ وَتُذَلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدَّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَتَرْزُقَنَا بِهَا كِرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»

(خدایا زندگی در حکومت و حاکمیت با کرامتی را می‌خواهیم و می‌طلبیم، که اسلام و پیروانش در آن عزیز، و نفاق و پیروانش ر آن خوار و ذلیل گردند، و در چنین شرایطی از دعوت کنندگان و مبلغان و علاقمندان به اطلاعات از تو و از پیشتانان راه تو باشیم و بزرگواری، عزت و کرامت دنیا و آخرت را بما ارزانی داری!)

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- سوره حجرات، آیه ۱۲.
۲. سوره سبأ، آیه ۲۸.
۳. سوره بقره، آیه ۱۴۳.

4. Universality
5. Globalization
6. Westernization

۷- فصلنامه «فرهنگ و دیپلماسی». سال اول، شماره ۲ و ۳، ص ۸۷ انتشارات وزارت امور خارجه.

۸- اشاره‌ای به نمایشنامه «کرگدن» نوشته اوژن یونسکو است.

۹. مجله «هارپر»، چاپ آمریکا، اکتبر ۲۰۰۲، صص ۷۶-۷۷.

۱۰. نشریه جهانی شدن و دین، مقاله «جهانی شدن، امکانات...»، ص ۳۰- انتشارات دبیرخانه دین پژوهان کشور.